

## احوال و آثار محمد عباس شوشتری

### سید شهوار حسین نقوی\*

مفتی سید محمد عباس از علمای بزرگ اسلام در تاریخ هند است که در علوم عقلی و نقلی از نوادر روزگار و افزون بر مراتب علمی، مردی خردمند و روشن بین بود. با اینکه مذهب تشیع داشت، دانشمندان اهل سنت را بسی محترم می شمرد. ایشان در ماه ربیع الاول شب شنبه سال ۱۲۲۴ هجری در شهر لکهنو پایتخت آترپردش هند تولد یافت که تاریخ آن از «خورشید کمال و ادب» برمی آید.

### سلسله نسب عباس شوشتری

سید محمد عباس بن سید علی اکبر بن سید محمد جعفر بن سید ابی طالب بن سید نورالدین بن سید نعمت الله جزایری و این سلسله نسب به توسط هفده پشت به امام موسی کاظم، علیه السلام، می رسد. جدش سید نعمت الله جزایری صاحب انوار نعمانیه از اجلاء علمای ایران بوده و صاحب کمال و فضل و آثار علمی است.<sup>۱</sup>

### سفر شوشتر به هند

جد مفتی محمد عباس، سید محمد جعفر، در آخر عهد نواب آصف الدوله پادشاه اوده، در سال ۱۲۱۰ هجری به شهر لکهنو وارد شد و بعد از رحلتش در سال ۱۲۱۶ هجری از مصاحبین نواب سعادت علی خان مرحوم به شمار می آمد و مورد الطاف و نوازش و

---

\* مدرس دارالعلوم سیدالمدارس، امروهه (آترپردش).

۱. تکمله نجوم السما، ج ۲، ص ۳۴.

عزاز و اکرام شد. پدر مفتی محمد عبّاس، سیّد علی اکبر، عالم و فاضل بود و به زهد و تقوی معروف و صاحب تألیفات کثیره نیز بود.

مفتی محمد عبّاس در عهد کودکی مثل اطفال دیگر میل به لهو و لعب نداشت، بلکه از بازی و تزییع اوقات نفرت، و به خواندن رغبت و الفت داشت و بازی شان با تراب چنان بود که به سجده می‌رفت و می‌گفت: بینیم کدامیک از ماها بیشتر در سجود می‌ماند. گاهی در اوقات زوال بالای بام می‌رفت و در گرمی آفتاب سر بر خاک گرم می‌گذاشت و کلمه «یا الله» را تکرار می‌نمود و گاهی عددش از هزار می‌افزود و سجده چنان طول می‌کشید که از رو و جبین قطرات عرق می‌چکید و گاهی نوبت به سیلان می‌رسید. در زمان تحصیل علم، شب و روز غیر از درس و بحث کاری دیگر نداشت و افادات خود را هم به طور حاشیه کنار کتاب می‌نگاشت.

### اساتید عبّاس شوشتری

مفتی محمد عبّاس پیش مولوی عبدالقوی، شاگرد مولوی مخدوم حنفی، کتابهای ابتدایی را خواند و از مولوی عبدالقدّوس، شاگرد ملا حسن، صاحب شرح سلم العلوم، کتابهای نحوی و صرفی خواند و مولوی قدرت علی، شاگرد عبدالعلی بحر العلوم، به او درس منطق ریاضی، هیئت، فلسفه می‌داد و در کتابهای طب، مثل قانون شیخ بوعلی سینا از حکیم میرزا عوض علی و میرزا علی خان و مسیح الدوله میرزا حسن علی خان استفاده نمود. درس فقه و اصول از سیّد العلماء سیّد حسین بن دلدار علی غفرانمآب کسب علم کرد. بعد از تحصیل علوم مشغول به تدریس شد.<sup>۱</sup>

### عبادت و ریاضت

عبادت و زهد و تقوای آنجناب زبان زد خاص و عام بود و در ذکر عبادات و طاعات ربانی و ادعیه و مناجات یزدانی، اگر اوقات سحر و ساعات نیم شبی را قوت گویایی

۱. تکملة نجوم السّما، ج ۲، ص ۴۸.

حاصل شود، به زبان فصیح و بیان واضح شهادت عبادت بدهد و به خشوع و خضوع کامل معترف گردد. بامداد به وظائف و اوراد، شب و روز به تلاوت کلام خدای متعال معمور داشته بود و همیشه با مردان راه خدا و سالکان سیر و سلوک مأنوس بود و در شوق و اشتیاق عاشقان حقیقی اشعار می‌سرود، چنانچه در مثنوی منّ و سلوی فرموده‌اند:

یا الهی کو هواداران تو	کو هوای کوی بیماران تو
دوستدارم عشق بازان تو	را خاک راهم یگه تازان تو را
جنّدا آنها که مردان تو‌اند	پیشتاز ره نوردان تو‌اند
گاه چون بلبل نوا خوان تو‌اند	گاه مثل گل پریشان تو‌اند
خامش و ذکر الهی می‌کنند	در گدایی پادشاهی می‌کنند
فارغ از دنیا و اندر یاد تو	دم بدم ساغر زنان بر یاد تو
طرح عشقی هر شبی انداخته	شور یارب یاری انداخته
غنچه اسرار پنهان تو‌اند	صورت و آئینه حیران تو‌اند
خستگان سینه‌ها تفسیدگان	رهروان پای آماسیدگان
لاله های داغی صحرای تو	شمعهای مومی شبهای تو
برگ لبها را خزانی ساخته	چهره‌ها را زعفرانی ساخته
آتشین افسانه ایشان خوش است	گریه مستانه ایشان خوش است
جنّدا مژگان گوهر ریزشان	آه از چشمان طوفان خیزشان
گاه چون بلبل خروشان می‌شوند	غنچه‌سان گاهی خموشان می‌شوند
سنگ خارا آب آب از آهشان	ماه تا ماهی کباب از آه شان
ای خدا بزم خداخوانی کجاست	محفل مردان ربّانی کجاست
ای خدا ژولیده مویان تو کو	خاک و خون آلوده رویان تو کو
رستمی با ناتوانی می‌کنند	مرده‌اند و زندگانی می‌کنند
بر سر راه سفر ایستاده‌اند	فارغاند آماده‌اند آماده‌اند <sup>۱</sup>

۱. تکملة نجوم السّما، ج ۲، ص ۹۰.

شبها در مناجات معروف گریه و زاری و سیل اشک از چشمهای مبارک جاری، آه سوزان، شب تار را روز روشن و در و دیوار را رشک وادی ایمن می‌نمود. غلغله آه و بُکا را هر کسی از اهل جوار می‌شنید، بلکه صدای ناله و فغان به گوشهای ملکوت می‌رسید و اشعار عرفانی یا فقرات دعا به طریقی می‌خواند که گریه گلوگیر می‌گردید. بارها مشاهده شده که ساعتی گذشت و یک فقره که مشتمل بر چند کلمه بود به جهت شدت گریه و زاری ختم نمی‌شد. گویا شعله های جهنم پیش نظر بود و صحرای هول انگیز را مشاهده می‌فرمود و گاهی این اشعار می‌سرود:

من به این زشتی که عار دوزخم کی بسوزاند شرار دوزخم  
گر وقود و هیمه نارت شدم فخر من باشد که در کارت شدم

و گاهی این اشعار می‌سرود:

من نمی‌گویم که ریحان توأم خارم امّا خار بستان توأم

یک مرتبه تمام شب در گریه و زاری و مناجات باری تعالی مشغول بود و پاسبان آنجا که یک شخص هندو بود. پرسید ایشان در چه مصیبت مبتلا شده است که تمام شب گریان و نالان می‌باشد و خیلی دلش بدرآمد. هر گاه مطلع می‌شد مناجات دیگر نظم می‌فرمودند که حاصل مطلبش این است که خداوندا حالتی بجایی رسیده است که دشمنان هم رحم می‌آرند، پس تو که ارحم الراحمین می‌باشی، اولی به ترحم هستی!

### اخلاق عباس شوشتری

همیشه فقرا را محبوب داشت و به هم‌نشینی و مجالست‌شان خیلی مأنوس بود و از ملاقات و معاشرت اغنیا هیچگاه مسرور نمی‌شد، نمی‌کرد و اگر به اتفاق ملاقات می‌شد به ملاحظه تکلفات و لوازم ریاست که اغنیا به آن عادی شده‌اند، آثار کراهت محسوس می‌گردید و با وجود معیشت تنگ و کثرت عیال و بی‌نظمی امور از جاده استغنا قدم

۱. تکملة نجوم السّما، ج ۲، ص ۹۴.

بیرون نمی گذاشت؛ چنانچه مثنوی تسکین مسکین فارسی را در مدح فقرا به نظم آورد. هیچ کس به خدمت‌شان مشرف نشد، مگر مدّاح برخاست هر که حاضر شد خواه پیر باشد یا طفل و جوان حسب حال او به کمال لطافت و ظرافت و خوش بیانی و شیرین زبانی کلام می فرمود که ذوق آن صحبت را حاضرین مدت‌ها فراموش نمی کردند و ظرافت در کلام به حدی بود که گویا جزو بیان شده بود و به حسب موقع و مقام بر زبان می آمد که سخن شناسان و فصحای زمان هم لذّت می بردند. تواضع و انکسار به حدی بود که با وجود تبخّر علمی، خود را هیچ خیال می کرد و هر کسی را اگر چه ادنی باشد بر خود ترجیح می داد و عیب جویی و خورده گیری ابدأً به خاطر عالی راه نمی یافت، بلکه دائماً بر حسن و خوبی نظر داشت و در هر چیز حسن و خوبی و عنوان مدح غور می فرمود و به کمال قدردانی هر چیز به نگاه عزّت می دید، چنانچه شخصی کتابی آورد که کاتب، آن را خوشخط خیال کرده بود و امیدوار استحسان نشست. آقا ملاحظه فرموده تأمل کرد که اگر راست گویم که بدخط است، دل شکسته خواهد شد و اگر گویم که چه خوب است، دروغ می شود. آخر فرمودند که چه خوب سیاهی به کار آمده که فوری در چشم می آید. کاتب مسرور گردید و دروغ هم لازم نیامد. اما پایگاه علمی ایشان در علوم عقلی و نقلی مسلّم بوده و هرگاه بر فقه و اجتهاد و زهد و تقوی و خوف و خشیت از خدا برای آنجناب حاصل بود، نظر کرده می شود و باز نظمی که از مذاق شاعرانه و از مضامین عاشقانه و عارفانه و رندانه از کلک سحر طراز و قلم فصاحت دمساز چکیده نگاه می کنیم؛ غیر از اینکه از کرامات آن عالم ربّانی شمرده شود، امری دیگر به ذهن نمی آید و نیز این رنگین اشعار با سادگی مزاج هم خالی از عجب نمی باشد.

#### غزلهای عباس شوشتری

ای گل از من حجاب تا به کجا برنداری نقاب تا به کجا  
رفت شب ساقیا صبوحی کو صبح بی آفتاب تا به کجا

مرگ مانند سیل می‌آید سرکشی چون حباب تا به کجا  
 در خالق بگیر و محکم گیر جا به جا دق باب تا به کجا  
 لرزه بر عرش و کرسی افتادست ای دلم اضطراب تا به کجا  
 سالها شد نگاه لطفی نیست ای خدا این عتاب تا به کجا  
 غلغل الرحیل برپا شد  
 سیدا نوش خواب تا به کجا<sup>۱</sup>

\*

دل غمگین کدامین قصه رنگین شنید امشب  
 که مثل مرغ بسمل تا سحر در خون تپید امشب  
 دلم در کوی یار امشب نوای تازه دارد  
 نمی‌دانم که این بلبل درین گلشن چه دید امشب  
 مکرر از سر شب رفت آتش کردم و هر دم  
 برون می‌کرد دل دست و گریبان می‌درید امشب<sup>۲</sup>

\*

جان بر لب است ای بت پیمان شکن بیا دل می‌تپد بیا در آغوش من بیا  
 گل شده ز ناله شبگیر دامنم مثل نسیم صبح به سیر چمن بیا  
 ای جان بکوی یار جدا از بدن مسوز ای شمع بزم حسن میان لگن بیا  
 درهای تو به نیم شبان واز می‌کنیم بیدار شو بدرگه ما نعره زن بیا  
 بگشا بسوی مقبره چشم عبرتی تا چند در سفر گذر و در وطن بیا  
 سید چرا بخاک فتادی باین کمال  
 برخیز فوق گنبد چرخ کهن بیا<sup>۳</sup>

\*

---

۱. تجلیات، ص ۲۹۳.

۲. همان.

۳. همان، ص ۲۹۲.

از حسن و عشق حصه مقابل گرفته‌ایم      او خوش دلی گرفته و ما دل گرفته‌ایم  
 در گلشن وفا غزل از ما توان شنید      گلبانگ تازه ز عنادل گرفته‌ایم  
 نزد جنون به طفل و بستان نمی‌رسیم      وز پیر عقل درس مسایل گرفته‌ایم  
 تر دامنی نمی‌شود از قتل عاشقان      از خون خشک دامن قاتل گرفته‌ایم  
 نقش ثبات بر صفحات زمانه نیست      ما نقل نسخه‌های اوائل گرفته‌ایم  
 دل گرچه در براست گریزان بود ز ما      این موج در کنار چو ساحل گرفته‌ایم

سید ز دست برد قضا نیست نقص ما

از گنج صبر بهره کامل گرفته‌ایم<sup>۱</sup>

\*

ساقی و گرم ذوق مدام تو فتاد است      شاید بدلم پرتو جام تو فتاد است  
 در حلقه زلف تو تپان است دل من      این مرغ مگر تازه بدام تو فتاد است  
 نطع کف اغیار میالای به خونم      طشتم که فتاد است زبام تو فتاد است  
 در زیر نگین تو بود کشور جانم      بر نقد دلم سکه به نام تو فتاده است

سید قلم توست مگر نیشکر مصر

کاین شور حلاوت ز کلام تو فتاد است<sup>۲</sup>

\*

به مدارای دگر در پی ایمان شده‌ای      من باین خوش که تو از کرده پشیمان شده‌ای  
 ناظر مصحف رویش نشدی ای حافظ      کورکورانه مگر حافظ قرآن شده‌ای  
 تو هنوز از سر تحقیق مسلمان نشدی      گرچه در زعم خودت ثانی مسلمان شده‌ای  
 گر مزعفر نبود نعمت هستی کافی است      بوده‌ای نطفه گندیده و انسان شده‌ای

نیست باغی نه ایای نه دماغی نه دلی

این جنون چیست که سید تو غزلخوان شده‌ای<sup>۳</sup>

\*

۱. تجلیات، ص ۲۹۲.

۲. همان، ص ۲۹۴.

۳. همان، ص ۲۹۷.

مرا از چرخ همین بس که یار من باشی    اگر چه عار توام افتخار من باشی  
 تو آن کسی که جهان باختیار توست    مرا هوس که تو در اختیار من باشی  
 فغان ز وحشت شبهای تار من به لحد    خوشا شبی که تو شمع مزار من باشی  
 هزار جان به فدایش که وقت یأس مرا    به ناز گفت که امیدوار من باشی  
 به این نوای شرربار ترسم ای سید  
 از آن دمی که تو در پنبه زار من باشی<sup>۱</sup>

\*

دلا بر روی آن کافر و گبرنظاره می‌خواهم  
 گناهی در نظر دارم کزان کفاره می‌خواهم  
 سپهری دیگر و دوری دگر باید برای من  
 که اقبال ابد از ثابت و سیاره می‌خواهم  
 نه تنها آبروریزی که باید خون دل خوردن  
 کف آبی اگر زین لجه خونخواره می‌خواهم  
 گل مقصد ز مژگان ترم رنگین نمی‌گردد  
 به جای اشک خونابی از این فواره می‌خواهم  
 طراز دولت دین است از کلک و دوات من  
 بدهر آوازه این نوبت و نقاره می‌خواهم  
 ز تنهایی به تنگم آشنایی می‌کنم پیدا  
 بلای تازه ای بر سید بیچاره می‌خواهم<sup>۲</sup>

## آثار علمی

### تفسیر و حدیث

- ۱- انوار یوسفیه، تفسیر سوره یوسف؛ ۲- شرح الاربعین (فارسی)؛
- ۳- سیف مسلول؛ ۴- نزع القوس من روضة الفردوس؛

۱. تجلیات، ص ۲۹۷.

۲. همان، ص ۲۹۴.



- ٥- ترصیح الجواهر؛  
٦- جواهر الکلام؛  
٧- روح الایمان؛  
٨- التقاط اللئالی من الامالی.

### علم الکلام

- ٩- روائح القرآن فی فضائل امناء الرحمن؛ ١٠- شعله جواله؛  
١١- آتشش پاره (فارسی)؛ ١٢- بغیة الطالب فی اسلام ابی طالب؛  
١٣- جواهر عبقریه در رد تحفه اثنا عشریه، شاه عبدالعزیز محدث دهلوی (فارسی)؛  
١٤- جواب منتهی الکلام (فارسی)؛ ١٥- روح الجنان؛  
١٦- دلیل قوی (فارسی)؛ ١٧- تأیید الاسلام؛  
١٨- مطرفه فی الرد علی المتصوفه؛ ١٩- نعر المؤمنین؛  
٢٠- رساله رجعت؛ ٢١- منابر الاسلام؛  
٢٢- مواعظ لقمانیه؛ ٢٣- موعظه حسنه؛  
٢٤- مجالس المواعظ.

### فقه و اصول

- ٢٥- شریعة غرا؛ ٢٦- رشحة الافکار فی تحدید الاکراء؛  
٢٧- اساور عسجدیه؛ ٢٨- استفسار؛  
٢٩- نور الابصار فی مسائل الاصول و الاخبار؛  
٣٠- کتاب القضاء؛ ٣١- منبراس فی حجیة القیاس؛  
٣٢- جلجلة السحاب فی حجیة ظواهر الکتاب؛  
٣٣- فوح العبیر فی الاحباط و التکفیر؛ ٣٤- صفحة الماس فی الارتماس؛  
٣٥- حواشی دره منظومه؛ ٣٦- سماء مدرار فی الاصول و الاخبار؛  
٣٧- روض اریض فی منجزات المریض؛ ٣٨- معراج المؤمنین (فارسی)؛  
٣٩- بناء الاسلام فی احکام الصیام (فارسی)؛ ٤٠- طریق جعفری؛

- ۴۱- لسان الاصباح، تحقیق درباره وقت صبح؛  
 ۴۲- تعلیقه انیقه، حواشی بر شرح لمعه؛ ۴۳- استقبال، بحث قبله (فارسی)؛

### حرف و نحو

- ۴۴- توصیف التعریف؛  
 ۴۵- وجوه الاستعمال فی صلة الافعال؛  
 ۴۶- فوح البیر.

### علم معانی و بیان و عروض

- ۴۷- رساله عروض (فارسی)؛ ۴۸- رساله در معانی و بیان؛  
 ۴۹- رفع الالتباس عما وقع فی معنی الشعر فی المعیار و الاساس؛

### منطق و فلسفه و هیئت و هندسه

- ۵۰- حواشی شرح سلم ملاً حمدالله؛ ۵۱- حواشی تحریر اقلیدس؛  
 ۵۲- رساله فارسیه در منطق؛ ۵۳- جواب انتقاض انعکاس خاصتین؛  
 ۵۴- ترجمه صدررا شرح هداية الحكمة؛ ۵۵- حواشی ملا جلال؛  
 ۵۶- رساله در جواب شبهه ابن کیمونه.

### ادبیات

- ۵۷- موجه کوشری شرح قصیده حمیری؛ ۵۸- اوراق الذهب؛  
 ۵۹- ید بیضا، قصاید فارسی؛  
 ۶۰- مثنوی جوهر در بیان حدیث یهود (فارسی)؛  
 ۶۱- مثنوی خطاب فاصل (فارسی)؛ ۶۲- مثنوی آب زلال (فارسی)؛  
 ۶۳- مثنوی گوهر شاهوار (فارسی)؛ ۶۴- مثنوی بیت الحزن؛  
 ۶۵- مثنوی صحن چمن؛ ۶۶- مثنوی تسکین مسکین؛  
 ۶۷- مثنوی نظم الفروض؛ ۶۸- دیوان فارسی؛

- ۶۹- خطبه حمله حیدری؛  
 ۷۰- مثنوی بنیاد اعتقاد؛  
 ۷۱- مثنوی بطرز نان و نمک؛  
 ۷۲- مثنوی منّ و سلوی؛  
 ۷۳- فلک مشحون؛  
 ۷۴- اکواب موضوعه؛  
 ۷۵- فرش مرفوعه؛  
 ۷۶- نمارق مصفوفه؛  
 ۷۷- ماء مسکوب؛  
 ۷۸- زرابی؛  
 ۷۹- موج سلسبیل؛  
 ۸۰- مشجع الحمامات؛  
 ۸۱- طارف؛  
 ۸۲- منتخب کشکول؛  
 ۸۳- سوانح جدیده؛  
 ۸۴- مصفاة؛  
 ۸۵- احویه مع شرح؛  
 ۸۶- رساله بهیمه؛  
 ۸۷- اخلاق حسینیّه؛  
 ۸۸- سرّ مکتوم؛  
 ۸۹- عشره کامله؛  
 ۹۰- نسیم صبا؛  
 ۹۱- سبعة سیاره؛  
 ۹۲- مجموعه ادعیه؛  
 ۹۳- کتاب الفحص عن الثلثین.

### طب

- ۹۴- تحفة الطب؛  
 ۹۵- حاشیه شرح اسباب؛  
 ۹۶- حواشی نفیسی؛  
 ۹۷- شرح موجز؛  
 ۹۸- کتاب المسائل؛  
 ۹۹- هدیه بهیه؛  
 ۱۰۰- تشفیف السمع و غیره.

### ارتحال عباس شوشتری

روز پنجشنبه بیست و پنجم ماه رجب ۱۳۰۶ هجری بود که قریب زوال آفتاب، عمر زوال پذیر گردید و روح مطهر بخلد برین رسید<sup>۱</sup>.

۱. تکملة نجوم السّما، ج ۲، ص ۱۰۹.